درمکتب امام

معنای منافق

این‌طور نباشد که ما بگوییم و نکنیم. این‌طور نباشد که ما دعوت به اتحاد بکنیم و عمل‌مان برخلاف باشد. این‌طور نباشد که ما در روزنامه‌های‌مان دعوت به اتحاد بکنیم و عمل‌مان غیر از او باشد. معنی منافق همین است که چیزی را می گوید و خودش عمل نمی کند. شما را دعوت به خیر و صلاح می کند و خودش خیر و صلاح ندارد. شما را دعوت به اسلام حقیقی می کند و خودش آن را نمی‌خواهد. شما را دعوت به اتحاد می کند و خودش دنبال این نیست که اتحاد را ایجاد کند. شما را از نفاق پرهیز می‌دهد و خودش آن‌طور نیست.

صحیفه امام؛ ج ۱۳؛ ص ۱۴۰۲ جماران؛ ۲۲ آذر ۱۳۵۹

سالگرد نماز و راهپیمایی عید فطر ۵۷

سرآغاز موج راهپیمایی‌های انقلاب

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

وقتی ساعت ۸ صبح روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۷، نماز عید فطر به امامت حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد مفتح در تپه‌های قیطریه تهران بر پا شد، رژیم شاه و ساواکش براین باور بود که قضیه مانند سال گذشته است.

سال گذشته نیز نماز عید فطر در همین تپه‌های قیطریه به امامت دکتر مفتح برپا شده و اتفاق چندان غیرقابل کنترلی نیفتاده بود. اگرچه حضور جمعی از روحانیون انقلابی سابقه دار و مبارزین و پیروان آیت‌الله خمینی در آن نماز برجسته شده و مورد توجه گزارش نویسان ساواک قرار گرفته بود، اما در عید فطر ۵۷ بسیاری از آن روحانیون انقلابی از جمله حجت‌الاسلام والمسلمین سید علی خامنه‌ای در تبعید بوده و عده‌ای نیز در حبس و حصر قرار داشتند.

خود دکتر مفتح هم اگرچه از نظر ساواک، سوابق سوئی داشت و در آذرماه ۱۳۵۳ هم پس از تبدیل مسجد جاوید تهران به کانون انقلابیون، بازداشت و مسجد تعطیل شده بود اما چندی بود امامت مسجدی واقع در جاده قدیم شمیران به نام مسجد قبا، را برعهده گرفته و جلسات دینی و علمی با حضور متفکران و اندیشمندان برگزار می‌کرد. ولی ساواک به سختی وی را زیر نظر داشت!

اما در ماه رمضان آن سال، مسجد قبا کانون پرجوش و خروش انقلاب شد، هر شب مراسم سخنرانی برپا بود و علاوه بر شبستان مسجد، تمامی خیابان‌ها و کوچه‌های اطراف آن که توسط بلندگو تحت پوشش برنامه‌های مسجد قرار می‌گرفت، مملو از جمعیت می‌گردید. سخنرانان اغلب از مبارزان و روحانیون انقلابی پیرو امام بودند، از شخص دکتر مفتح تا دکتر باهنر و استاد مطهری و... که بیشتر بر مسائل انقلاب و نهضت تاکید داشتند.

ظاهرا فقط یک اعلامیه ساده بود

تا اینکه شب عید فطر، پس از نماز جماعت مغرب و عشاء این اطلاعیه در صحن مسجد قبا خوانده شد:

«به شکرانه توفیق انجام فریضه روزه ماه مبارک رمضان و به منظور تعظیم شعائر اسلامی، در صورت ثبوت عید، نماز عید فطر در جاده قدیم شمیران، پل رومی ساعت ۸ صبح برگزار می‌گردد

سید ابوالفضل موسوی زنجانی، محمد مفتح»[1]

اما در اواخر شب به گونه‌ای که مزدوران جاسوسان ساواک متوجه نشوند، اعلام نمودند ساعت ۶ صبح روز عید فطر دکتر مفتح از منزل خود واقع در جاده قدیم شمیران (دکتر شریعتی امروز)، با پای پیاده به سمت محل برگزاری نماز عید فطر واقع در خیابان کوروش کبیر، پل رومی، زمین‌های قیطریه حرکت خواهد کرد.[2]

راس ساعت ۶ صبح روز ۱۳ شهریور ۱۳۵۷، جمعیت انبوهی در جلوی منزل دکتر مفتح اجتماع کرده و همراه وی به سمت محل برگزاری نماز عید فطر حرکت کردند. مرحوم محمود مرتضایی‌فر تکبیرهای مخصوص عید فطر را با صدای بلند می‌خواند و مردم هم به‌طور دسته‌جمعی تکرار می‌کردند. به تدریج پلاکاردهایی که آیات قرآن بر روی آن نوشته شده بود، بیرون آمد و در دست‌های مردم قرار گرفت و شعارها به شعارهای انقلابی تبدیل شد و برخی پلاکاردها هم با شعارهای علیه رژیم شاه برافراشته شد.[3]

برنامه نماز عید فطر ۱۳۵۷، پس از حدود ۱۰ ماه که از اوج گیری نهضت امام می‌گذشت، قرار بود نقطه عطفی برای این نهضت باشد. جامعه روحانیت مبارز تهران و دکتر مفتح نحوه حضور مردم در نماز عید فطر را به گونه‌ای تدارک دیدند که منجر به یک راهپیمایی شود و چنین برنامه‌ای پس از خرداد ۱۳۴۲ سابقه نداشت. آنها برای انجام راهپیمایی، سیره حضرت امام رضا علیه‌السلام را ملاک قرار داده و راهپیمایی تا مکان برگزاری نماز عید فطر در زمین‌های قیطریه را اعلام نمودند.

با این حال باز هم ساواک و مامورین آنها براین باور بودند که همه چیز در همان تپه‌های قیطریه خاتمه یافته و نماز عید فطر هم مانند پارسال بدون هیچ مسئله‌ای برای آنها و رژیم شاه، برگزار خواهد شد.

نماز عید به راهپیمایی بدل می‌شود

در ساعت ۹/۳۰ صبح اقامه نماز عید فطر توسط حجت‌الاسلام دکتر مفتح پایان یافت و حجت‌الاسلام دکتر باهنر به سخنرانی درباره نهضت امام و قیام مردم مسلمان پرداخت. براساس اسناد ساواک و گزارش ماموران و جاسوسانش، «لحظه به لحظه بر تعداد دوازده هزار نفری» جمعیت در تپه‌های قیطریه افزوده می‌شد.

سخنرانی دکتر باهنر پس از ۱۵ دقیقه به اتمام رسیده و دکتر مفتح خود به ایراد سخنرانی می‌پردازد. ساواک در گزارش خود، نوشته است:

«... در ساعت ۹/۴۵ سخنرانی باهنر خاتمه یافت که یاد شده از دولت انتقاد و مردم را تحریک و اظهار داشت: این روش دولت، فریبکارانه است. سپس دکتر مفتح سخنرانی را آغاز نمود و در حال حاضر مشغول سخنرانی می‌باشد. ضمنا جمعیت در حدود ۱۴ هزار نفر در قیطریه حضور دارند.

پرنیان‌فر»[4]

اما آنچه که ساواک و مزدوران رژیم شاه اطلاع نداشتند، برگزاری راهپیمایی بعد از مراسم نماز عید فطر بود که جامعه روحانیت مبارز و شخص دکتر مفتح برای آن هم برنامه‌ریزی کرده بودند. به این ترتیب پس از پایان یافتن مراسم نماز عید و سخنرانی‌های پس از آن، جمعیت ابتدا با شعارصلوات و سپس تکبیرهای عید فطر به حرکت درآمده و از جاده قدیم شمیران به سمت جنوب سرازیر شدند.

شعارهای صلوات و تکبیرهای عید فطر، به تدریج تبدیل به شعارهای انقلابی شد و رژیم شاه بازهم در مقابل یک عمل انجام شده قرار گرفت. شعارهای «الله اکبر و خمینی رهبر» جمعیت که برای نخستین بار در یک راهپیمایی عظیم سر داده می‌شد با پخش اعلامیه‌هایی همراه شد. در گزارش ساواک، اولین راهپیمایی مردم تهران علیه رژیم شاه در دوران اوج‌گیری نهضت، اینچنین توصیف شده است:

«... تا ساعت ۱۱/۱۵ صبح که مردم پس از سخنرانی محمد مفتح به سمت مسجد همت، مسجد قبا، رستم آباد و سلطنت آباد تظاهرات خود را شروع کرده بودند، خبری از آتش‌سوزی واصل نگردیده بود...»[5]

راهپیمایان شمال تا جنوب تهران را در برگرفتند

راهپیمایی که از تپه‌های قیطریه آغاز شده بود، در مقابل حسینیه ارشاد، با پیوستن گروههای دیگری از مردم گسترده‌تر گردید و جمعیت راهپیمایان به حدود ۵۰۰ هزار نفر رسید. هر چه جمعیت پیش‌تر می‌رفت، بر شمار آنها افزوده می‌گشت. در میدان ۲۴ اسفند (انقلاب کنونی) راهپیمایان کرجی ملحق شدند و پس از رسیدن به میدان قزوین و افزوده شدن گروه‌های دیگری از مردم، جمعیت به طرف میدان راه‌آهن، شوش، شهناز، ژاله، دروازه شمیران، شمیران و راهپیمایی کردند و در ساعت نیم بعد از نیمه شب، راهپیمایان به تدریج خیابان‌ها را ترک کردند.[6]

بدین ترتیب راهپیمایی پس از نماز عید فطر ۱۳۵۷ به نقطه عطفی در مبارزات ملت مسلمان ایران علیه شاه و آمریکا بدل گردید. پس از این بود که راهپیمایی‌های میلیونی و فراز و نشیب‌های دیگر نهضت آغاز شد. ابتدا راهپیمایی بزرگ ۱۶ شهریور که از همین تپه‌های قیطریه آغاز شد و تا پیچ شمیران ادامه یافت و سپس راهپیمایی‌های تاریخی تاسوعا و عاشورا که رفراندوم ملت برای سرنگونی رژیم شاه بود و پس از آن راهپیمایی‌های اربعین و ۲۸ صفر ۱۳۵۷ که سرانجام طومار رژیم ستم‌شاهی را در هم پیچید.

روزنامه‌ها کیهان و اطلاعات که وابسته به دربار و سناتورهای شاه بودند نیز نتوانستند شکوه و عظمت راهپیمایی عید فطر را نادیده گرفته و زبان به اعتراف باز نکنند. کیهان با انعکاس تصاویری از این راهپیمایی بزرگ، ۹ صفحه خود را به آن اختصاص داد و در سوتیتر خود نوشت:

«تظاهرات و راهپیمایی چند میلیونی. عظیم‌ترین نماز عید فطر تاریخ ایران برگزار شد». «راهپیمایان، سربازان و افسران را در خیابان‌ها گلباران کردند». «دریای جمعیتی که دیروز خیابان‌های تهران را پوشانده بود، چهره سیاسی- مذهبی خود را در آرامش شگفت‌آوری پوشاند. صد هزار تظاهرکننده هر جا به مأموران و کامیون‌های پر از سرباز رسیدند چون دریایی که جزیره‌ای را در میان بگیرد، به گرمی برای سربازان و نظامیان دست تکان دادند»[7]

خارجی‌ها هم اعتراف کردند

خبرگزاری یونایتدپرس نوشت: «امروز هزاران تن از مردم مسلمان ایران در خیابان‌های پایتخت به راهپیمایی پرداختند و شعارهای ضد دولتی سردادند. آنها پشتیبانی خود را از حکومت اسلامی ابراز داشتند... تظاهر کنندگان در منطقه قیطریه به سربازانی که سر راه آنها بودند، گل تقدیم کردند.»[8]

و روایت خبرگزاری آسوشیتدپرس چنین بود: «در تهران حدود صد هزار تن در تظاهرات شرکت کردند. در این تظاهرات زنان مسلمان نیز چادر به سر شرکت کردند». رادیو بی‌بی‌سی فردای آن روز گفت: «... تظاهرات دیروز به آرامی به پایان رسید. تظاهر کنندگان با مامورین انتظامی برخوردی نداشتند، بلکه آنها را غرق در گل و بوسه کردند. در واقع صدها هزار نفر ایرانی با راهپیمایی خود علیه دولت ایران رای دادند...»

ویلیام سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران در کتاب خاطراتش نوشت: «... راهپیمایی روز عید فطر به عنوان یک دمونستراسیون و نمایش خیابانی در تاریخ نوین ایران بی‌سابقه بود... نظم این راهپیمایی فوق‌العاده و شبیه یک رژه نظامی بود... مأموران و ناظران ما که برای گزارش مشاهده‌های خود در سفارت جمع شده بودند متفق‌القول بودند که یک سازمان مجهز و مجرب این راهپیمایی را سازمان داده است... نظم و سازمان این راهپیمایی در عین حال که موجب تحیر و شگفتی ما شد این واقعیت را هم آشکار ساخت که ما تشکیلات و فعالیت مخالفان را دست کم گرفته‌ایم...»[9]

۱- مجموعه مستند «محراب انقلاب» – قسمت دهم – شبکه قرآن سیما- ۲۱ بهمن ۱۳۸۴
۲-زندگی و مبارزات آیت‌الله شهید دکتر مفتح- مرحوم رحیم نیکبخت – مرکز اسناد انقلاب اسلامی – چاپ اول – بهار ۱۳۸۲- صفحه ۲۴۰
۳- همان – صفحه ۲۴۱
۴-یاران امام به روایت اسناد ساواک – جلد پانزدهم- شهید دکتر محمد جواد باهنر- مرکز بررسی اسناد تاریخی – چاپ اول – ۸ شهریور ۱۳۷۹- صفحات ۶۵۶ و ۶۵۷
۵- گزارش ساواک تهران به اداره کل سوم به شماره ۹۵۶۹۴/۲۰ ه ۱۳۵۱/۶/۱۳
۶-جزوه اخبار نهضت نوین اسلامی – بی‌جا- بی‌نا و تقویم تاریخ انقلاب اسلامی – خبرها و رویدادهای روزانه محرمانه و غیرمحرمانه- مرداد ۱۳۵۶ تا فروردین ۱۳۵۸- گروه تحقیق انتشارات سروش – چاپ اول – ۱۳۶۹- صفحه ۱۴۴
۷- یک‌سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه- مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله حسینیان- مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۸-تقویم تاریخ انقلاب اسلامی –پیشین- صفحات ۱۲۹ و ۱۳۰
۹- مأموریت در ایران- ویلیام سولیوان-ترجمه محمود مشرقی- انتشارات هفته- صفحه ۱۱۳

موانع و ملزومات «حکمرانی مجازی» در گفت‌وگوی کیهان با کارشناسان

جریان نفوذ و تحریف مانع مدیریت سکوهای مجازی می‌شود

سرویس اجتماعی- مهدی برازنده:

شیوع استفاده مردم دنیا از فضای مجازی، تقریباً همه کشورها را به سمت موضوع «حکمرانی مجازی» سوق داده است، هر چند این موضوع در کشورمان همچنان با موانعی روبه‌رو است.

امروز حساسیت دولت‌های مختلف دنیا بر اثرگذاری شبکه‌های اجتماعی افزایش یافته و هریک از کشورها سعی دارند تا با حکمرانی مجازی، عملکرد این فضا را در کنترل داشته باشند.

نمونه‌های مختلفی از جدیت کشورهای مختلف در تحقق حکمرانی مجازی را می‌توان برشمرد؛ از برگزاری دادگاه‌گونه جلسات کنگره آمریکا با نماینده پیامرسان چینی « تیک تاک» برای کنترل و پاسخگو کردن این شبکه اجتماعی در سال گذشته، یا محدودیت چند هفته قبل کشور ترکیه برای شبکه اجتماعی «اینستاگرام» به دلیل اِعمال محدودیت در انتشار محتواهای شهادت شهید اسماعیل هنیه، یا تعلیق اخیر شبکه X یا توئیتر سابق در برزیل و نمونه‌های مختلف دیگر.

در هفته گذشته بازداشت و بازجویی «پاول دوروف» مدیر شبکه اجتماعی تلگرام نیز بازتاب بسیار زیادی در دنیا داشت.

اهمیت «حکمرانی مجازی» به قدری است که رهبر انقلاب در اولین دیدار دولت چهاردهم با ایشان در ششم شهریورماه امسال فرمودند: «فضای مجازی دیگر امروز مجازی نیست، امروز یک واقعیّتی است در زندگی مردم که روزبه‌روز هم دارد پیش می‌رود. آنچه مهم است این است که در فضای مجازی، حکمرانی قانونمند وجود داشته باشد؛ اینکه بنده گاهی گفته‌ام فضای مجازی رها و ول است، به خاطر این است. اگر ما توانستیم در فضای مجازی حکمرانی قانونمند داشته باشیم، فضای مجازی برای کشور یک فرصت می‌شود، والّا ممکن است تهدید بشود.»

با عنایت به اهمیت «حکمرانی مجازی»، با دو تن از کارشناسان و پژوهشگران حوزه فضای مجازی و سواد رسانه‌ای گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

مرزهای «مجازی» معادل مرزهای «حقیقی»

«سیدعلیرضا آل داوود»، پژوهشگر فضای مجازی و رسانه در گفت‌وگو با کیهان در رابطه با اهمیت «حکمرانی مجازی» در کشور با اشاره به سخنان هفته گذشته رهبر انقلاب، اظهار داشت: رهبر انقلاب نگاه فرصت‌محوری به فضای مجازی دارند؛ ایشان می‌فرمایند حتماً باید نسبت به تهدیدات این فضا نیز چاره‌اندیشی شود و در مورد حکمرانی همان‌طور که در تمام دنیا مطرح است، برای کشور ما نیز باید مطرح باشد و بر این اساس سکوها و سکوهای مجازی باید نسبت به عملکردشان در فضای مجازی پاسخگو باشند و منبع مالی و ارتباطی تروریست‌ها، شورشی‌ها، ابزار آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها و دشمنان ملت ایران نباشند. متأسفانه در سال‌های گذشته این فضا به تعبیر رهبر انقلاب «رها شده است» و دشمن از این فضا بیشترین استفاده را در جنگ شناختی و ترکیبی برده است، کمااینکه دشمنان در فتنه ۱۴۰۱ از سکوها و شبکه‌های اجتماعی خصوصا در اینستاگرام و تلگرام و حتی بازی‌های برخط برای اعلام فراخوان، تغییر سبک زندگی و ایجاد شورش در کف خیابان و حتی آموزش مقابله با نیروهای امنیتی و نافرمانی‌های مدنی به صورت علنی استفاده کرد.

وی افزود: بسیاری از کشورها مثل آمریکا و اروپایی‌ها، حداقل بیش از ۲۰ سال درخصوص حکمرانی سایبری، حکمرانی شبکه‌ها و داده‌ها فعالیت‌های دقیقی انجام داده‌اند؛ خصوصاً اروپایی‌ها با قانون حفاظت از اطلاعات عمومی برخط اروپا (GDPR) رگولاتوری و مدیریت این فضا را برعهده گرفتند و حتی در یک مورد شرکت گوگل را در سال ۲۰۱۹ پنج میلیارد دلار بابت ضرری که به شرکت‌های اقتصادی اروپا رسیده بود جریمه کردند. در سطح دنیا حکمرانی مجازی در عصر هوش مصنوعی و جنگ‌های ترکیبی را معادل حکمرانی در فضای حقیقی در نظر می‌گیرند و مرزهای سایبری را معادل مرزهای حقیقی قلمداد می‌کنند؛ البته در جنگ شناختی، مرزها در ذهن و قلب افراد است و در این بسترها می‌شود بر روی آن‌ها اثر گذاشت.

شبکه‌های اجتماعی یا تسلیحات نظامی؟

آل داوود با بیان اینکه در پژوهشی در کتاب «جنگ لایک» (Like War) به صراحت شبکه‌های اجتماعی و پیامرسان‌ها به «تسلیحات نظامی» تشبیه شده‌اند، در پاسخ به سؤال کیهان درباره اینکه چرا در کشوری مثل ترکیه راحت‌تر از ایران شبکه‌های اجتماعی کنترل می‌شوند و در واقع ارتباط با مالکان شبکه‌های اجتماعی آسان‌تر است، گفت: یکی از تفاوت‌هایی که کشور ما با ترکیه دارد، این است که شبکه‌های اجتماعی آمریکایی و پیامرسان‌ها برای پاسخگو نبودن به کشور ما به این‌جا نفوذ داده شده‌اند و متاسفانه جریان نفوذ و جریان تحریف نیز از این سکوها برای اهداف و اغراض سیاسی حداکثر استفاده را برده است؛ این جریانات در یک بستری روی افکار عمومی کشور حرکت می‌کند که در داخل کشور تحت رصد، مدیریت و کنترل نیست. به عنوان مثال، متاسفانه در این سال‌ها تلگرام بستر ارتباطی چندین حمله تروریستی از جمله داعش به کشورمان شد و جالب اینکه جریان تحریف نیز خیلی جدی برای حفظ این راه ارتباطی سینه سپر کرده بود.

«زم» مشکلی ندارد «دوروف» مشکل دارد!

این پژوهشگر فضای مجازی و رسانه در ادامه گریزی به خبر بازداشت هفته گذشته پاول دوروف، مدیر شبکه اجتماعی تلگرام در فرانسه زد و افزود: یکی از رفتارهای دوگانه‌ای که این روزها شاهد هستیم، وقتی مدیر کانال تروریستی آمدنیوز که اعدام شد در داخل کشور و در این کانال حتی به آموزش ساخت کوکتل مولوتوف و شورش‌های اجتماعی و ترور شخصیت گسترده رهبران کشور می‌پرداخت، فرانسوی‌ها برایش محافظ اختصاص دادند و حتی گروه‌های تروریستی دیگری که توسط منافقین اداره می‌شد، توسط فرانسه حمایت می‌شدند؛ نکته جالب اینجاست که وقتی امروز نوبت به خودشان رسیده است، مدیر تلگرام را به دلیل همان جرائمی که در ایران اتفاق می‌افتاد و حمایت می‌کردند، در برخورد قانونی با مدیر تلگرام به همان جرائم استناد می‌کنند! بسیاری از مسائلی که دادستان فرانسه اعلام می‌کند از جمله تصاویر غیراخلاقی کودکان، پدوفیلی (کودک آزاری)، پولشویی، رمزنگاری اطلاعات که تروریست‌ها و گروه‌های سازمان یافته می‌توانند از آن استفاده کنند، به علاوه ندادن اطلاعات کاربران به دولت فرانسه، موضوعاتی است که اگر در یک کشور دیگر اتفاق می‌افتاد، همین فرانسوی‌ها پرونده آن کشور را به دلیل نقض آزادی بیان به حقوق بشر سازمان ملل می‌بردند!

استاندارد دوگانه غرب در استفاده از شبکه‌های اجتماعی

در رابطه با اهمیت حکمرانی مجازی و رفتار دوگانه کشورهای غربی در برخورد با شبکه‌های مجازی، «محمد لسانی»، فعال و پژوهشگر حوزه سواد رسانه نیز در گفت‌وگو با کیهان اظهار داشت: در مورد استاندارد دوگانه کشورهای غربی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی، این کشورها سعی می‌کنند از دو طریق به چرخه تولید محتوا و گردش اطلاعات اثرگذاری داشته باشند، اولین روش این است که از طریق ایجاد مگاپروژه‌ها و پروژه‌های بسیار بزرگ، سهم زیادی از بازار را جذب کنند و از طریق این پروژه‌ها به زیست‌بوم خود شکل بدهند؛ شرکت‌هایی در جهان تحت عنوان Big Tech یا کمپانی‌های بزرگ فناوری مثل آلفابت، آمازون، متا و اپل و مایکروسافت، جهت‌دهیِ کلان به بازار دارند و به دلیل حجم بالا و درگیری که در آن کسب و کار دارند، به فضا و تولید و گردش اطلاعات جهت می‌دهند و برخی کشورها از این فرصت استفاده می‌کنند.

لسانی افزود: دومین راهی که کشورهای غربی سعی می‌کنند بر چرخه اطلاعات اثر بگذارند، ایجاد نظام حقوقی بسیار دقیق، مطالبه‌گرانه و پیشگیرانه از هرگونه ریل‌گریزی است؛ مثلاً این نظام حقوقی در مورد شرکت «تیک تاک» به گونه‌ای عمل می‌کند که هرگونه انحراف علیه سیاست‌های ایالات متحده را سد می‌کند و افراد را به ریل مدنظر کشورهای غربی باز می‌گرداند. نکته اینجاست که در کشور ما به واسطه این که هیچ‌کدام از این دو روش پیگیری نشده است، امروزه شرکت‌های استارتاپی بزرگ ایرانی که توانسته‌اند به خوبی نقش ایفا کنند، نهایتاً در حوزه خدماتی مثل حمل‌ونقل و فروش کالا کار می‌کنند و از طرفی هیچ‌کدام در حوزه زیرساختی برای سیستم عامل و طراحی گردش اطلاعات ورود نکرده‌اند.

وی ادامه داد: بنابراین به دلیل آن که هیچ‌کدام از این دو حوزه را نداشتیم، مجبور شدیم به اجبار و به جای جهت‌دهی به محتوا، جلوی سکوها سدگذاری کنیم؛ در کشورهای غربی این واکنش به صورت یک نوع فیلترینگ هوشمند و نامحسوس انجام می‌شود و به جای اینکه سکو محدود شود، ساختارهای تولید محتوا جهت داده می‌شوند و یا در نمونه‌هایی حتی محتوا نمایش داده نشده و محدود می‌شود. بنابراین کشورهای غربی از این دو روش، یک حکمرانی نرم در حوزه سایبری انجام داده‌اند، اما ایران به واسطه اینکه زیرساختی در این حوزه‌ها نداشته، حکمرانی سخت و عملاً آشکار را پیش گرفته است و به همین دلیل طرف‌های غربی، همواره امکان انتقاد و انگشت‌نما کردن واکنش‌های ما را در قبال شبکه‌های اجتماعی داشته‌اند.

ملزومات حکمرانی مجازی قدرتمند

این پژوهشگر حوزه سواد رسانه در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان در حکمرانی مجازی موفق عمل کرد و مدیران شبکه‌های اجتماعی دنیا را نسبت به عملکردشان در کشور پاسخگو کرد، گفت: اصولاً هرچه زمان می‌گذرد، فناوری گریزپذیرتر می‌شود و امکان کنترل تولید و انتشار محتوا محدودتر می‌شود، به نظر می‌رسد ما به یک نظام چندلایه نیازمندیم که این نظام چندلایه در پایین‌ترین سطح خودش نیاز به این دارد که مردم با سواد رسانه‌ای آشنا شوند و خانواده‌ها بتوانند از خودشان محافظت کنند و از آرامش روانی و امنیت اقتصادی بهره‌مند شوند.

لسانی افزود: در لایه بالاتر و دوم نیز ما نیازمند یک‌سری تشکل‌های حقوقی و مطالبه‌گر هستیم که در حوزه‌های داخلی و خارجی بتوانند بر اساس صلاح و منافع کاربران، یک‌سری کمپین‌هایی ایجاد کرده و به حکمرانی سایبری یا مجازی کمک کنند. در لایه سوم که در حوزه اقتصاد فناوری است نیز نیاز داریم که شرکت‌های فناوری مان سودده باشند و این حوزه سرمایه‌پذیر باشد و در لایه‌های بالاتر و لایه چهارم نیز ما در داخل کشور باید یک بازار رقابتی داشته باشیم؛ این بازار رقابتی از برندها و نشان‌هایی تشکیل می‌شوند که بتواند از کف، برای مردم عملاً جذابیت و اعتبار داشته باشد و بتواند در بازارهای جهانی نیز بازار خود را پیدا کند.

وی تأکید کرد: این چهار لایه در کنار یکدیگر می‌تواند سواد رسانه‌ای را شکل دهد و فضائی را ایجاد کند که کشور در مسیری باشد که هم توسعه فناوری داشته باشد و هم رقابت متنوع در بازار داشته باشد و از سوی دیگر کشور در حوزه امنیت داده و اطلاعات خوداتکا شده و اطلاعاتش به خارج از مرزها نرود.

چرا اینستاگرام با ایران تعامل نمی‌کند؟

این کارشناس فضای مجازی در مورد پاسخگوکردن مالکان شبکه‌های اجتماعی نیز گفت: فضای فناوری دو سو دارد، یک‌سو شرکت‌هایی هستند که ارائه خدمت می‌کنند و یک‌سو کشورهایی هستند که درب خود را رو به این شرکت‌ها باز می‌کنند و اجازه گسترده شدن آن سکو را در جغرافیای خود می‌دهند. در زمان شروع رشد اینستاگرام از سال‌های ۹۰ یا ۹۱ که شروع مخاطب‌پذیری این سکو در ایران بود، ما خیلی راحت امکان تعامل را باز کردیم، اما امروز این سکو یک غول فناوری است که شروط خود را می‌خواهد تحمیل کند و در این زمینه شاید بازار ایران را یک بازار اقتصادی برای خود نمی‌بینند، بنابراین به همین دلیل در تعاملاتی که با حاکمیت لازم است داشته باشد، منصفانه و پایاپای قدم به معامله نمی‌گذارد.

موانع سه لایه حکمرانی مجازی در کشور

لسانی در پاسخ به این سؤال که موانع حکمرانی مجازی در کشورمان چه مواردی هستند، اظهار داشت: اگر در قالب یک هرم متصور شویم، از رأس به کفِ این هرم، مهم است که فهم و شناخت تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان از جریانات آینده و پیش روی فضای مجازی دقیق و عمیق باشد؛ باید بدانیم فضای مجازی به چه سمت و سویی حرکت می‌کند و مسئولین نیز باید نسبت به ماهیت و سیر این فضا آگاه باشند و مبتنی بر آن پایه‌های حکمرانی مجازی کشور را مستقر کنند.

وی افزود: موضوع دیگری که در حکمرانی مجازی مهم است، این است که تصمیمات و سیاست‌های کلان فضای مجازی را نباید به یک درگیری سیاسی، حزبی و باندی تبدیل کرد؛ اصولاً هیچ کشوری پایه‌های حکمرانی خود را مبتنی بر دعوای حزبی نمی‌گذارد. همه شاهد بودند که در جلسه استماع کنگره آمریکا از مدیرعامل اجرائی «تیک تاک»، هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه آمریکا حاضر بودند و به صورت متفق اذعان داشتند که این اتفاق کمتر می‌افتد که این دو حزب وحدت نظر جامع داشته باشند، اما راجع به تیک تاک این وحدت نظر وجود داشت. بنابراین تصمیمات پایه‌ای برای استقرار حکمرانی مجازی را نباید تبدیل به برگ‌های مقطعی در رقابت‌های سیاسی و حزبی مبدل کرد و این مانع دومی است که باید به آن دقت داشت.

این پژوهشگر حوزه سواد رسانه ادامه داد: مانع سومی که در حکمرانی مجازی باید به آن اشاره کرد، این است که وجهه ایجابی و تجویزی را در این حوزه لحاظ کنیم؛ نیاز به وجهه سلبی و آنچه نباید انجام شود در استفاده از خدمات و سکوها پررنگ است، اما وجهه ایجابی نیز لازم است و باید بتوان جذابیتی ایجاد کرد که یک سکو بتواند در اکوسیستم فناوری کشور نقش ایفا کند، سکوها نیاز به مشوق، حمایت و سرمایه‌گذاری‌هایی دارند که این حوزه در سطح خرد مثل استارتاپ‌ها و شرکت‌های دانش بنیان و در سطح کلان خود در فضای تبادل اطلاعات در جامعه بتوانند وجهه ایجابی خود را نیز ایفا کنند؛ این اتفاق می‌تواند برای سکوهای داخلی و همچنین سکوهای خارجی بیفتد تا امکان فعالیت در کشور را داشته باشند. بنابراین در این سه لایه موانعی وجود دارد که باید رفع شود و فضای مجازی در کشور ما تبدیل به یک حوزه دارای کارکرد برای رشد و توسعه ملی شود.

خطیب جمعه شیراز:

حرکت برنامه هفتم توسعه در استان فارس تسریع شود

شیراز- خبرنگار کیهان:

آیت‌الله لطف‌الله دژکام، امام جمعه شیراز در خطبه‌های نماز جمعه شیراز با اشاره به پایان ماه صفر و ایام با رحلت پیامبر گرامی اسلام، خاتم‌الانبیا محمد(ص) که بزرگ‌ترین مصیبت عالم امکان است، اظهار داشت: یکی از بهره‌هایی که ما از این وجودهای مقدس معصومین می‌بریم موضوع موعظه است که ما مسائلی را که جزء باورهای قطعی ما بوده، در موعظه باید به یکدیگر یادآوری کنیم یاد همدیگر مرگ، شب اول قبر، حساب و کتاب قیامت را یادآوری کنیم و این‌گونه موعظه‌ها را اهل بیت در گوش بشر خوانده‌اند، اما انسان فراموشکار است و شیطان در لحاظ فراموشی ما کار خود را می‌کند.

دژکام افزود: پیامبر موعظه می‌فرمود و تذکر می‌داد و ویژگی امت ما را این‌گونه قرار داد که به فکر قیامت باشیم و کاری کنیم که از مرگ نترسیم و خود را برای آن آماده کنیم.

خطیب جمعه شیراز: در بخش دیگری از سخنان خود حرکت عظیم اربعینی را نهضتی بزرگ دانست و اظهار کرد: الحمدلله تمام ملت‌های اسلامی به نوعی در آن شریک بودند و مردم ایران به خصوص ۳۰۰ هزار نفر استان فارسی‌ها در این حرکت نقش‌آفرین بوده و هستند.

وی فعالیت و خدمت مواکب را در گرمای ۵۰ درجه را ارشمند برشمرد و افزود: الحمدلله بنده خدمت مواکبی که بودم انصافا کار پاکیزه‌ای با کمی امکانات ارائه دادند که جای قدردانی دارد. ما در استان فارس الحمدلله زیر پرچم پسر حضرت موسی بن جعفر حضرت شاهچراغ(ع) هستیم و باید آنجا معلوم باشد که ارادتمندان حضرت شاهچراغ(ع) یک کار اساسی انجام می‌دهند، در این راستا موکب حضرت احمدبن موسی(ع) در کربلا خدمات خوبی ارائه می‌داد که چند زائر که در آنجا بودند، تشکر کردند، اما یک درخواست داریم که این هوای گرم که تا چند سال آینده هست باید فکری شود که وقتی مردم و زائران مشرف می‌شوند جای مناسبی داشته باشند.

دژکام بیان کرد: برای موکب حضرت احمدبن موسی(ع) زمینی آماده شده و پوشی به عنوان «قطعه‌ای از بهشت» راه انداختند که هر کسی با مبلغی اندک نیز می‌تواند در این قضیه شریک باشد، از این رو خواهشمندیم روی این پویش کار شود و به یکدیگر برای مشارکت خبر دهیم. شیرازی‌ها و استان فارسی‌ها نسبت به حضرت شاهچراغ(ع) یک غیرت ویژه‌ای دارند، این پویش برای ساخت و ساز فعالیت‌ها آغاز شده است.

امام جمعه شیراز در ادامه ضمن گرامیداشت هفته دولت، گفت: قاعدتا بایستی یاد شهیدان بزرگ من جمله شهید رجائی، شهید باهنر و شهید رئیسی را گرامی بداریم و به روح پرفتوح کسانی که به مردم خدمت کردند و در این راه شهید شدند، درود می‌فرستیم و قدردان هستیم و نسبت به دولت سیزدهم که با غم از دست دادن شهید رئیسی مواجه شدیم باید ویژه تقدیر کنیم چرا که کارهای بزرگی شکل گرفت و رهبر معظم انقلاب نیز در جلسه گذشته خود با دولت جدید از این اقدامات ویژه یاد کردند.

دژکام با بیان اینکه دولت چهاردهم چند مسئله را که شعار این دولت است را مورد توجه قرار داد، گفت: عمل به سند بالادستی از جمله برنامه هفتم توسعه است که باید جدی گرفته شود، ما در سال اول برنامه هفتم هستیم و متاسفانه جریان شهادت شهید رئیسی برنامه‌ها را به عقب انداخت و همت عالی نمایندگان را می‌طلبد تا دست در دست کارگزاران دولت، حرکت برنامه هفتم را در استان فارس تسریع کنید.

نماینده ولی فقیه در استان فارس بیان کرد: اکنون لیستی با حدود ۸۰ پروژه توسط استاندار فارس با همفکری نمایندگان تهیه شده که می‌طلبد به صورت ویژه به آن برنامه‌هایی که می‌تواند به عنوان طرح‌های پیشران بزرگ باشد، تمرکز کنیم و به دولت معرفی کنیم و از دولت چهاردهم بخواهیم، برخی از این پروژه‌ها می‌تواند چندین استان جنوبی کشور را درگیر کند.

دژکام در پایان با اشاره به سخنان خود در خطبه‌های دو هفته قبل که گفتم که اسرائیل نابود شده است و فردی خطاب به من در شهر تل‌آویو تصاویری ارسال کرد که خیابان‌های آنها سالم است، پاسخ داد: ما هرگز نگفتیم که می‌خواهیم شهرها را خراب کنیم، اما مطمئن باشید که اسرائیل نابود شده است و شما که مظهر استکبار و ظلم هستید، نابود خواهید شد و ما مطمئن هستیم لشکر پیغمبر اکرم می‌آید و تل‌آویو و دیگر شهرهای اشغال شده جای سکونت کسانی می‌شود که می‌خواهند در حرم ابراهیمی و مسجد قدس شریف پشت سر امام زمان(عج) اقامه نماز کنند. به صهیونیست‌های اشغالگر می